

تفکر دوگانه و مفاهیم فضا در تئوری و عمل^۱

شهرام پور دیهیمی^۲

استاد گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

ساسان سپید کلال^۳

1. Binary thinking-
dualism-thinking based on
oppositions- dichotomous
thinking

۲. این مقاله در راستای مطالعات

پایان نامه دکتری نویسنده مسئول

با عنوان پیوند معماری و منظر

پارادگمی، شهر-معماری به عنوان

بنیادی در طراحی محیط است که

به راهنمای دکتر شهرام پور دیهیمی

در سال ۱۳۹۱ در دانشکده

معماری و شهرسازی دانشگاه شهید

بهشتی دفاع شده است.

۳. 3.dic_poured@shirapshahroo.com

۴. دکتری معماری، دانشکده معماری

و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی،

نویسنده مسئول.

spatum@live.com

5. Conceptualization

۶. رتبه:

Simin Davoudi & Ian

Strange, *Conceptions of*

Space and Place in Strategic

Spatial Planning.

مقدمه، اهمیت فضا

فضای یکی از مفاهیم و ارکان اندیشه انسانی در همه اعصار است؛ چرا که رابطه‌های هستی‌شناسانه بین انسان و فضای زیست او هست. معانی بنیادین هستی انسان با معانی و مفاهیم فضایی در هم آمیخته‌اند. در بحث‌های طراحی محیط رابطه کیفیت زندگی انسان با کیفیت فضایی که در آن می‌زید، جایگاه ویژه‌ای دارد. در سال‌های اخیر تفکر نقادانه درباره فضا و مکان، بنیان‌هایی برای عمل و مداخله در رشته‌های برنامه‌ریزی و طراحی و در کانون توجه بوده است و همچنین نسل نومی از استراتژی‌های فضایی به منزله نشانی از عزیمت، از میجست کاربری اراضی به سوی برنامه‌ریزی فضایی ظهور کرده است.^۶

باید توجه داشت که در ورای ظاهر مقبول و به ظاهر بدیهی ایده‌ها و مفاهیم مربوط به فضا، حیطه‌های ابهام و تناقض و اختلافی هست که فقط نتیجه ارزش‌گذاری‌های ذهنی گوناگون نیست، بلکه بیشتر ناشی از کیفیات مادی و هدفمند فضا است که در زندگی اجتماعی مطرح می‌شوند. افزون بر حیطه‌های نظری- علمی و اجتماعی و

چکیده

مفهوم فضا در تئوری و عمل در رشته معماری و دیگر رشته‌های طراحی محیط همیشه تحت تأثیر مفاهیم، شکل گرفته و برآمده از اندیشه فلسفی و اجتماعی و به اصلاح مفهوم‌سازی‌های آن‌ها بوده است و رشته‌های طراحی محیط همواره وام‌گیرنده ایده‌ها و مفاهیم فضایی از فلاسفه و نظریه‌پردازان علوم مختلف بوده‌اند و بر آن‌ها نیز اثر داشته‌اند. در طول تاریخ اشکال مختلف تفکر و ادراک دوگانه و به روایتی دوتنگاری در خصوص فضا به شکل مفاهیم دوتنگاری بر تئوری و عمل معماری تأثیر گذاشته است. در این مقاله با مطرح کردن برخی از این تقابل‌ها نتیجه‌گیری می‌شود که تلقی‌ها و تعبیر دوگانه از مفهوم فضا در معماری ناشی از تمایزی است که دلالت بر فضایی مطلق و انتزاعی و صرفاً کالبدی، به منظور ایجاد محصوریت، دارد. در حالی که فضا خود مفهومی پیچیده و حاصل نسبت‌ها و ارتباطات و فرایندهای گوناگون و چندگانگی‌های درهم‌تنیده و دائماً در حال دگرگونی است و دائماً نیاز به بازنگری از دیدگاهی جامع و چندگانه و بین‌رشته‌ای دارد.

نظریات زیباشناسی، در واقعیت و عمل نیز در تبیین و تمییز مفهوم فضا، اختلاف‌هایی دیده می‌شود. اینکه چگونه فضا بازنیامانده می‌شود حایز اهمیت است، چرا که این موضوع بر چگونگی تمییز انسان از آن و همچنین بر تعامل انسان با محیط زندگی خود، اثر می‌گذارد.

بهبود «کیفیت زندگی» انسان و چگونگی آن در محیط مستلزم بازنگری در مفهوم فضا و بهبود کیفیت فضایی است که در آن زندگی می‌کند. از این رو شناخت مفهوم فضا و مولفه‌های ادراک مطلوب آن از مسائلی است که امروزه چترهای دانات و برنامه‌ریزان و طراحان محیط‌ییش از گذشته در بحث‌های نظری خود به آن می‌پردازند. یکی از مولفه اصلی در اندیشیدن به مفهوم فضا تقسیم آن به مفاهیم دوگانه است که ریشه در ساختارهای زبان و فرهنگ و شیوه‌های اندیشیدن انسان دارد. تفکر دوگانه از گذشته دور بر ادراک و تمییز فضا و مفهوم آن حکم‌فرما بوده و در دوره مدرن تأثیر آن به لوج رسیده است. تفکر دوگانه نسبت به فضا بر اساس تقابل‌ها و تقدم‌هایی است که ادراک پیچیدگی‌ها و چندگانگی‌های مفاهیم فضایی را بر طراحان محیط ناممکن می‌کند.

در این مقاله، ابتدا خلاصه‌ای از تعاریف گوناگون را می‌آوریم که اندیشمندان علوم مختلف، از دوران باستان تا به امروز، درباره فضا عرضه کرده‌اند. سپس مفاهیم دوگانه درباره فضا را، که در رشته معماری رایج هستند و بسیاری از آن‌ها با یکدیگر همپوشانی دارند، بررسی می‌کنیم.

۱. فضا از دیدگاه فلاسفه باستان

کنکاش انسان در مفهوم فضا سابقه‌ای طولانی دارد. حاصل این کنکاش با انگیزه تبیین نظام گیتی و هستی در نظریات فلاسفه یونان باستان به طرق مختلف تجلی کرده است.

اتمیستهای اولیه^۷ یونان باستان، که با پیروان لوسیپوس^۸ و میرید او دموکریتوس^۹ شناخته می‌شوند، جهان را ساخته از اتمها و فضای تهی^{۱۰} می‌انگاشتند. اتمها ذرات متراکم و تقسیم‌ناپذیر ماده بودند و فضای تهی جایی بود که این ذرات می‌توانستند آزادانه عمل و حرکت داشته باشند.^{۱۱} سقراط بر این باور بود که در ورای جهان ناپایدار و همیشه‌درتغییری که با حواس درک می‌کنیم، نوعی نظم ریاضی-هندسی ساختاری هست که اگر درک شود، درک جهان از طریق عقلانی نیز میسر می‌شود.^{۱۲}

پرسش‌های تحقیق

۱. فضا چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟
۲. نظر اندیشمندان و فلاسفه درباره فضا چیست؟
۳. تفکر دوگانه درباره فضا چیست و چه اشکالی از آن بر مفهوم فضا در معماری تأثیر می‌گذارد؟

7. Early Atomists
8. Leucippus
9. Democritus
10. void
11. Edward Casey, *Force of Place: A Philosophical History*, p. 80.
12. G. Broadbent, *Design in Architecture: Architecture and Human Sciences*, p. 224.

افلاطون نیز نظامی هندسی وضع کرده بود که تا زمان نیوتن، منشأ الهام تساویر ذهنی گیتی‌شناسانه در دنیای غرب بود. این نظام ساختار طبیعت و مورد قبول بود. ساختار طبیعت عالم کبیری بود که عالم صغیر معماری از آن تقلید می‌کرد و ساختار ریاضی آن (نسبت^{۱۳} و تناسب^{۱۴}) نمادی بود که معنای کار و اثر را تضمین می‌کرد.^{۱۵} فضا یکی از عوامل سه‌گانگی است که افلاطون واقعیت را از طریق آن‌ها مفهوم‌سازی می‌کند: (۱) دست‌تنای از مقولات که لا‌یتبصر و غیرمخلوق و نامیرا و احراک‌ناشدنی برای حواس هستند و موضوع تفکر؛ فرم‌ها یا مثل.

(۲) دستمای از مقولات که مانند دسته اول فرم نام دارند و آن را نیز تداعی می‌کنند محسوس هستند و به یاری اندیشه و احساس درک می‌شوند.

(۳) کورا یا «فضا»^{۱۶} که چگونگی و فناپذیر است و برای هر آنچه که وجود می‌یابد، «وضعیتی» فراهم می‌کند. بدون استفاده از حواس و یا نوعی از دلالت ساختمانی و ناخلف^{۱۷} درک می‌شود. باور آن دشوار است.^{۱۸}

افلاطون «کورا» را چون ظرفی محوی پدیده‌ها و رخدادها می‌داند که همواره، حتی پیش از آغاز آفرینش، موجودیت داشته است. این ظرف از ماده ساخته نشده و برای هر آنچه فیزیکی است، همچون آینه‌ای عمل می‌کند. اما خود فیزیکی نیست. این ظرف کیفیتی از آن خود ندارد؛ چون اگر می‌داشت، نمی‌توانست پذیرنده و منعکس‌کننده کیفیات و حالات چیزهایی باشد که آن را اشغال می‌کنند.^{۱۹}

اما نزد ارسطو^{۲۰} فضا تداعی خالص نیست که فاقد همه کیفیات یا نیروها باشد، بلکه نوعی اتمسفر اولیه است که فشار و تنش دارد و به فضای تهی بی‌نهایت محدود می‌شود.^{۲۱} ارسطو فضا را با توپوس^{۲۲} یا مکان شناسایی می‌کند.^{۲۳} ارسطو در کتاب فیزیک، خود درباره فضا بحث می‌کند و می‌گوید: «فضا علت چه چیزهایی است؟ هیچ‌یک از چهار علت^{۲۴}

را نمی‌توان به آن نسبت داد. فضا مفهوم و جوهر چیزها نیست (از آن رو که هیچ چیز از آن ساخته نشده است). نه فرم و تعریف چیزها است و نه غایت آن‌ها. موجب حرکت چیزها هم نمی‌شود»^{۲۵}. فضا از دیدگاه ارسطو، متعلق به مقوله کمیت است. او فضا را مجموع همه مکان‌هایی می‌داند که کالیبها اشغال کرده‌اند و مکان را آن بخش از فضا می‌داند که حدود آن با حدود کالیب اشغال‌کننده فضا مترادف است. فضا از دیدگاه ارسطو، مرز یا کران درونی چیزی است که دربرگیرنده چیزها است. در واقع ارسطو کتاب فیزیک نظریه‌ای درباره فضا را ارتقا نمی‌دهد و فقط «نظریه مکان» یا «نظریه وضعیت‌هایی در فضا» را مطرح می‌کند.^{۲۶}

فلاسفه یونان باستان بیشتر بر وجوه هستی‌شناسانه و گیتی‌شناسانه فضا تمرکز داشتند و نظریات آنان در طی قرون بعدی‌ترین تأثیر را بر مفهوم‌سازی‌های اندیشمندان و فیلسوفان درباره فضا گذاشته است. این تأثیرات تا پایان سده‌های میانه با اقتدار حاکم بود. نظریات متفکران سده‌های میانه مبحثی مفصل است و از حدود این مقاله خارج. در اینجا به این بسنده می‌کنیم که بحث‌های مربوط به فضا در سده‌های میانه متمرکز بر فضا از دیدگاه الهیات و امکان وجود فضای بی‌نهایت بود.^{۲۷}

۲. فضا از دیدگاه فلاسفه قرن هفدهم تا بیستم

در کلیت فیزیک مدرن- اگر نظریات نسبی گراییه خاصی را نادیده بگیریم- فضا با چنین ویژگی‌هایی توصیف می‌شود: متناهی، هموزن، متناهی، نامتناهی، ادراک همه این ویژگی‌ها در اختیار حواس نیست. این ویژگی‌ها نتیجه فرایند پیوسته‌ای از انتزاع است که سرانجام آن در ذهن انسان ابتدایی شکل گرفت. در عین حال باید توجه داشت که تحقیقات زبان‌شناسانه و باستان‌شناسانه و مردم‌شناسانه نشان می‌دهد که اندیشه ابتدایی قادر به انتزاع «مفهوم» فضا از «تجربه» فضا نبوده است.^{۲۸}

13. ratio
14. proportion
15. Alberto Perez-Gomez, The Space of Architecture Meaning as Presence and Representation, p. 11.
16. Chora
17. bastard reasoning
18. Plato, *Timaeus and Critias*, p. 44.
19. Casey, *ibid*, p. 33.

۲۰. ارسطو فیلسوف و تفکرمند یونانی (۳۸۴-۳۲۲) از یونان اصلی مکتب فیثاغورث و بنیان‌گذار مکتب ریاضی مکتب بود.
21. Jammer, *Concepts of Space-The History of Theories of Space in Physics*, p. 10.

22. Topos
23. *ibid*, p. 53.
۲۴. ارسطو اصول نظریه عمل چهارگانه خود را این‌گونه مطرح می‌کند: ۱. علت مادی (مانند مواد و مصالح برای ساختن خانه) ۲. علت صورتی (مانند شکل) که باید طبیعت پیدا کند. ۳. علت فاعلی (مانند کار و ابزارهایی که خانه را چون ملبوسان ایجاد می‌کنند) ۴. علت غایی (مانند منظری که خانه برای آن ساخته می‌شود) (ارسطو، *مقولات تا سائورس*، ص ۱۰۶-۱۰۷) ۲۵. *ibid*
26. Jammer *ibid*, p. 17-19.
27. Casey, *Fate of Place: A Philosophical History*.
28. Isotropic
29. Jammer, *ibid*, p. 7.

مندی‌پور^{۳۰} به گفتارهای فلسفی درباره فضا در سه قرن گذشته اشاره کرده و دوگانگی^{۳۱} بین تئوری‌های مطلق‌گرا^{۳۲} و نسبت‌گرا^{۳۳} را که معادل آن در جغرافیا، متأثر از نظریه نسبیت فضایی نسبی^{۳۴} است، وجه غالب این سخنان می‌شمرد.^{۳۵}

۳. فضای مطلق و فضای نسبی

اندیشه دکارت نقطه تعیین‌کننده‌ای در بحث مفهوم فضا بود و نقشی کلیدی در تکامل آن داشت. دیدگاه دکارتی فضا را پدیدمندی مطلق و نامتناهی و ملکی الهی تلقی می‌کرد که می‌تواند به لحاظ یک‌دستی و همسانی، از طریق شهود به‌تنهایی درک شود. دکارت به سنت ارسطویی پایان داد، که مدعی بود فضا و زمان از مقولاتی^{۳۶} هستند که نام‌گذاری و طبقه‌بندی داده‌های حواس را تسهیل می‌کنند. با ابداع منطق دکارتی فضا وارد قلمرو مطلق شد. همچنان که عین^{۳۷} در مقابل ذهن^{۳۸} قرار می‌گیرد آنچه در فضا تداوم دارد^{۳۹} در مقابل آنچه می‌اندیشد^{۴۰} فضا با دربرگرفتن همه آن‌ها، همه حواس و همه کالیدها، به ظهور می‌رسد.^{۴۱} نیوتن فضای مطلق را تغییرناپذیر و بی‌حرکت می‌داند. به طوری که بدون ارجاع به هیچ مقوله خارجی همیشه هموزن و ثابت باقی می‌ماند. او فضا و زمان را مکان‌هایی می‌داند برای خودشان و برای همه چیزهای دیگر. همه چیزها، در زمان، در ارتباط با نظم توالی^{۴۲} و در فضا، در ارتباط با نظم وضعی قرار دارند.^{۴۳}

نظریات نسبیت‌گرا و فضای نسبی نقدی بود بر مفهوم فضای مطلق. فضا از دیدگاه لایبنیتس، نظمی از همبودها است^{۴۴} و زمان نظمی از توالی‌ها. فضا نتیجه مجموع مکان‌ها است و همه مکان‌ها را در بر می‌گیرد و به روایتی مکان همه مکان‌ها است. اگر اینچنین بیرون از اشیا در نظر گرفته شود فضا انتزاعی ذهنی است؛ چیزی است فقط در ایده، اما روایتی که اساس این «ساختمان ذهنی»^{۴۵} را شکل می‌دهد واقعی است.^{۴۶} بحث لایبنیتس این است که فضا «در ذات خود» نه

«هیچ» است و نه «چیزی»، بلکه تریف‌ناپذیر است و برای وجودش ضروری است که «تصرف» شود. فضای لایبنیتس «مطلقاً نسبی»^{۴۷} است. به این معنی که دارای کیفیتی انتزاعی است که اندیشه ریاضی آن را بنیادین تلقی می‌کند و «واقعی»^{۴۸} است؛ زیرا در فضا است که کالیدها هستند و وجود مادی آن‌ها آشکار می‌شود.^{۴۹}

کانت فضا را مربوط به ساختار و وضعیت ذهن می‌دانست و نه مفهومی تجربی. نشأت گرفته از تجارب خارجی، از دیدگاه او مبحث فضا فقط از دیدگاه انسان مطرح می‌شود. در ورای وضعیت ذهنی انسان «هائزموود»^{۵۰} فضا هیچ معنی دیگری ندارد. زیرا:

(الف) «فضا هیچ ویژگی‌ای از اشیا را، شیء فی نفسه و نه در ارتباط اشیا با یکدیگر، باز نمی‌نمایاند».

(ب) «فضا چیزی نیست جز شکل همه پدیدارهای حسی خارجی، یعنی حالت ذهنی ادراک حسی است که فقط از طریق آن شهود خارجی ممکن است».^{۵۱}

درک از ماهیت شیء، هرچه باشد، به وضعیت ادراک انسانی محدود است. فضای کانتی، گرچه نسبی است و ابزاری برای در اختیارگرفتن دانش و طبقه‌بندی پدیده‌ها، کاملاً از حیطة تجربی جدا و به حیطة پیشاتجربی آگاهی متعلق است (یعنی حیطة ذهن)؛ حیطة درون و ایده‌آل‌ها؛ از این رو استلزامی است و ساختاری اساساً درک‌نشده‌ای دارد. تداوم گفتارهای فلسفی درباره فضا آغازگر چرخشی بود از فلسفه به سوی دانش فضا.^{۵۲}

آلبرت اینشتاین دو مفهوم «فضا به مثابه کیفیت وضعی از دنیای اشیا مادی» و «فضا به مثابه دربرگیرنده همه اشیا مادی» را در مقابل هم قرار می‌دهد. در اولی فضا بدون شیء مادی تصورناپذیر است و در دومی شیء مادی فقط در فضا متصور است، که در این صورت فضا واقعیتی است برتر از دنیای مادی. او هر دو مفهوم فضا را محصول تخیل انسان می‌داند و ابزارهایی برای درک تجربه حسی.^{۵۳} هندسه هم بحث‌های مربوط به فضا را شکل می‌دهد و

۳۰. علی ملنی‌پور، استاد مترجمی شهرت و ملیر واحد «تفکرات شهری در سطح جهانی» در دانشگاه نیوکاسل است.

31. dichotomy
32. absolute
33. relational
34. relative
35. Ali Madanipour, Design of Urban Space: An Inquiry into Socio-Spatial Space, p. 6.
36. categories
37. object
38. subject
39. res extensa
40. res cogitans
41. Henri Lefebvre, The Production of Space, p. 1, 42. succession
43. Isaac Newton, Philosophical Writings, p. 64-66.
44. co-existants
45. mental construction
46. Fredrick Charles Coplestone, A History of Philosophy, p. 304.
47. absolutely relative
48. concrete
49. Lefebvre, Ibid, p. 169.
50. representation
51. Emanuel Kant, The Critique of Pure Reason, p. 177.
52. Lefebvre, Ibid, p. 2.
53. Albert Einstein, "Foreword", p. xv.

الف. فضای واقعی یا اولیه^{۵۴} فضای رفتار غریزی و کنش ناخودآگاه است. فضای ارگانیکی است که ریشه در شرایط واقعی و مادی دارد و به تصاویر ذهنی یا مفاهیم فضایی ربطی ندارد. درک از این فضا از راست‌قامتی انسان است؛ فضا در مقابل او به صورت حالات قطعی جلوه‌عقب و بالا-پایین و عمودی-افقی آشکار می‌شود. فیزیکی بودن کالبد طرح‌وارهای بر فضا می‌افکند که از طریق آن فضا تجربه و درک می‌شود. به فضای ادراک حسی^{۵۵} فضایی است که هر فرد، به طور انفرادی، درک می‌کند. فضای کنش متمركز بر نیازها و کنش‌های آتی است.

به فضای وجودی^{۵۶} یا فضای زیسته ساختار درونی فضایی است که بر انسان‌ها، به مثابه اعضای یک گروه فرهنگی، در تجارب واقعی از جهان آشکار می‌شود. معانی فضای وجودی، یا همان معانی فرهنگی، آن‌طور است که فرد تجربه می‌کند فضای وجودی شامل فضای مقدس و فضای جغرافیایی است. فضای مقدس^{۵۷} نوعی از فضای وجودی است که با تجربه‌ای از حسی مذهبی یا مراکز مقدس و اشیای معنی‌دار تعریف می‌شود. فضای جغرافیایی^{۵۸} نوعی از فضای وجودی و متمكس‌کننده آگاهی ابتدایی انسان از جهان و تجاربتش و بیوندهای هدفمندش با محیط و مکان‌ها است.

ت. فضای معماری و برنامه‌ریزی^{۵۹} فقط در ارتباط با فضای واقعی و ادراکی و وجودی قابل‌فهم است، اما نیازمند تلاش سنجیدگی برای خلق و محصور کردن فضا است. ت. فضای شناخت عقلی^{۶۰} فضای متحد‌الشکل و خنثی است. فضای هنسه و نقشه‌ها و تئوری‌های سازمان‌دهی فضایی است. شکلی از فضا که درباره آن می‌اندیشند.

54. Riemann.
 55. Minckowski
 56. Lobachewski
 57. Davoudi & Strange, Ibid, p. 13
 58. Naturalist tradition
 59. Interpretive tradition
 60. Ibid., 14
 Nigel Thrift & Jon May, Timespace: Geographies of Temporality.
 Edward Relph, Place and Placelessness; Thrift & May, Ibid; Doreen Massey, For Space; Hubbard, City.
 63. Edward Relph, Ibid, p. 6
 64. Pragmatic or Primitive Space
 65. Perceptual Space
 66. Existential Space
 67. Sacred Space
 68. Geographical Space
 69. Architectural Space and Planning Space
 70. Cognitive Space

هم در مرکز تمایز بنیادی بین دیدگاه مطلق‌گرا و نسبت‌گرا به فضا است. دیدگاه فضای مطلق ریشه در هندسه اقلیدسی دارد. این هندسه در قرون نوزدهم و بیستم بر اساس چندین موضوع به چالش کشیده شد. نخست ابداع هندسه نائقلیدسی و چندبندی (در مقابل سه‌بندی) به دست ریمان^{۵۴} و مینکوفسکی^{۵۵} و لوباجوسکی^{۵۶} و سپس شناخت این مسئله که نمی‌توان هندسه جهان را بدون تعریف نیروهای در حال تعامل در آن تعریف کرد و همچنین اینکه نمی‌توان فضای فیزیکی را بدون در نظر گرفتن بعد زمان تعریف کرد^{۵۷}.

دیدگاه مطلق نسبت به فضا متعلق به سنت طبیعت‌گرا است؛^{۵۸} چایی که رویکرد نسبی تحت سنت تفسیری^{۵۹} پذیرش می‌شود. اولی مستلزم یک منطق واحد توضیحی برای همه علوم است؛ دیدگاهی مشترک که مدعی است انسان‌ها و جوامع بخشی از یک نظام طبیعی هستند و از این رو می‌توان یک روش واحد پرورشگری برای علوم طبیعی و اجتماعی به کار برد. سنت تفسیری در مقایسه با مفهوم‌سازی‌های طبیعت‌گرا دیدگاه متفاوتی از جامعه و زندگی انسان و کنش اجتماعی دارد و مبتنی بر رویکرد تفسیری یا هرمنوتیک به علم اجتماعی است.^{۶۰}

۴. تعریف فضا در دوران معاصر

در دوران معاصر، متفکران علوم مختلف توجه خاصی به موضوع فضا داشته‌اند. هم فلاسفه و هم دانشمندان علوم اجتماعی و علوم انسانی در تألیف‌های خود به مفاهیم فضا پرداخته‌اند.^{۶۱} جغرافی‌دانان، به‌ویژه، به مفهوم فضا و نظری کردن آن اهمیت خاصی داده‌اند.^{۶۲} و تعاریف و مفاهیم متعدد و گوناگونی از فضا عرضه کرده‌اند به زعم ادوارد رلف، جغرافی‌دان کانادایی، فرمول‌بندی کردن چارچوبی که بتواند مجموعه متنوعی از اشکال قابل‌شناسایی و دارای انسجام منطقی فضا را در برگیرد آسان نیست.^{۶۳}

رلف طبقه‌بندی زیر را درباره انواع فضا عرضه می‌کند:

ج. فضای انتزاعی^{۷۱}: فضای روابط منطقی است که با آن می‌توان فضا را بدون رجوع به مشاهدات تجربی توصیف کرد. مخلوق تخیل و تصور انسان و بازتاب دستاوردهای تفکر تمدن است.^{۷۲}

کریستوفر تیلی^{۷۳} نیز به پیروی از راف، تعاریف مشابهی با طبقه‌بندی پنج‌گانه از فضا مطرح می‌کند او نام فضای جسمانی را جانشین فضای واقعی یا اولیه راف می‌کند:

- فضای جسمانی^{۷۴}
- فضای ادراکی
- فضای وجودی
- فضای معماری
- فضای شناخت عقلی

ایموس راباپورت ابتدایی‌ترین تقسیم‌بندی فضایی در معماری را فضای انسان و فضای غیر انسان می‌داند او فضای کنش یا فضای رفتاری را در هم‌پوشانی با فضای حرکتی و فضای اجتماعی مطرح می‌کند. فضای اجتماعی در فضای فیزیکی شکل می‌گیرد. از دیدگاه او رابطه سازگاری و توافق بین فضای اجتماعی و فضای فیزیکی ضروری است.^{۷۵}

گروتر فضا را به سه دسته تقسیم می‌کند: فضای جغرافیایی، که ذهنی است و با اطلاعاتی درک می‌شود که از وسایل کمکی چون نقشه و مدل به دست می‌آوریم؛ و فضای زندگی، که نیمه‌ذهنی است و از طریق جمع‌وعنای از ادراکات حسی و ذهنی درک می‌شود، و فضای معماری که به صورت عینی قابل‌ادراک است؛ فضایی که مستقیماً احساس می‌شود و از طریق عناصر تعریف‌کننده‌اش امکان شناخت می‌یابد.^{۷۶}

پرسی هریک از انواع فضا خود مستلزم تحطیق و ژرف‌نگری است. همان‌طور که در این تعاریف می‌بینیم، فضا مفاهیم گسترده و گوناگونی دارد که در هم آمیخته‌اند و هم‌پوشانی‌های این مفاهیم بسیار پیچیده و متنوع است. بنا بر این هم فلاسفه و دانشمندان علوم اجتماعی و هم متفکران رشته‌های فضایی^{۷۷}

چون جغرافیای و برنامه‌ریزی و طراحی محیطی، برای درک بهتر، ناگزیر از طبقه‌بندی و مفهومی‌سازی هستند.

۵. فضا در معماری

اهمیت موضوع فضا در بحث معماری و شهرسازی در این نکته موجز نهفته است که «فضا جوهر معماری است»^{۷۸}.

به زعم پیتر کالینز، نظریه‌پرداز کاتالانی، مفهوم فضا در ادبیات مربوط به معماری سابقهای چندان طولانی ندارد. او روایت می‌کند که مفهوم «فضا»، به مثابه عنصر بنیادی معماری، به شکلی ابتدایی، از زمانی بوده است که بشر برای اولین بار فضاهای محصور را ساخت یا تغییراتی ساختاری در غارهایش ایجاد کرد. اما این واقعیت خفیه‌ای است که تا قرن هجدهم هیچ رساله معماری هرگز این واژه را به کار نبرده است. کالینز به این موضوع می‌پردازد که دغدغه نظریه‌پردازان کلاسیک معماری بیشتر مطلق به ساختار و تناسب در بناها بوده است تا فضا. گویا تعبیر در این وضعیت، به زعم او، نخستین بار در اواسط قرن هجدهم، در بی‌آشنایی با باغ‌های رمانتیک صورت گرفت؛ چرا که فضاهای این باغ‌ها، در عین بی‌شکلی و بی‌قاعدگی، «کیفیت فضایی» بالاتری از فضاهای حاصل از سطوح مسطح داشتند. اما واژه فضا حتی به‌ندرت در این بستر زمانی استفاده شد. اگرچه در مواردی نادر مشاهده می‌شود، رواج آن درباره هیچ شکل سببندی تا اواسط قرن نوزدهم آغاز نشد.^{۷۹}

از دیدگاه معماری، تعریف فضا (متمایز کردن فضا) به معنای واقعی واژه، به معنی تعریف مرزها است. به‌ندرت پیش از قرن بیستم درباره فضا سخن گفتند، اما در سال ۱۹۱۵، فضا به معنی raum با همه مفاهیم فرعی زیباشناسی آلمانی، به همراه دیدگاه raumempfindung یا «حجم محسوس» مطرح شد. در سال ۱۹۳۳، ایده فضای محسوس با ایده کمپوزیسیون درآمیخت تا تداومی فضایی و سببندی حاصل شود. این تداوم سه بندی فضایی این قابلیت را داشت که تقسیم‌بندی و اندازه‌گیری

- 71. Abstract Space
- 72. Ibid.
- 73. Christopher Tilley, *A Phenomenology of Landscape*, p. 15.
- 74. Somatic Space
- 75. Amos Rapoport, *Human Aspects of Urban Form: Towards a Man-Environment Approach to Urban Form and Design*, p. 12-14.
- 76. یوگ گروتر، *زیبایی‌شناسی در معماری*، ص ۲۲۲.
- 77. Spatial disciplines
- 78. Sigfried Gideon, *Space, Time and Architecture: The Growth of a new Tradition; Zevi Architecture as Space: How to Look at Architecture; Bernard Tschumi, The Architectural Paradox.*
- 79. Peter Collins, *Changing Ideas in Modern Architecture: 1750-1950*, p. 285.

شود. از آن پس فضای معماری را همواره عنصری دانسته‌اند که به طور مداوم امتداد دارد و می‌توان آن را به روش‌های گوناگون شکل داد «تاریخ معماری» را نیز «تاریخ مفاهیم فضایی» قلمداد کردند. از قدرت «احتیاج متماثل» یونانی تا «فضای از درون تهی‌شده»ی روسی و از «مامل فضای درون و بیرون» مدرن تا مفهوم «شفافیت» تاریخ‌دانان و نظریه‌پردازان فضا را تودهٔ سمبندی ماده دانسته‌اند.^{۸۰}

این نگرش به فضا که صرفاً معطوف به تودهٔ سمبندی ماده است، ابزاری و ساده‌اندیشانه است. با وارد شدن مفهوم فضا به ادبیات نظری معماری معنای فضا را از زوایای مختلف بررسی کردند که از میان آن‌ها می‌توان از دست‌بندی هیلبر و هائسون از نظریات فضا به شرح نظریهٔ قلمروگرایی^{۸۱} و نظریهٔ شناخت عقلی^{۸۲} و نظریهٔ محیطی^{۸۳} و نظریهٔ نشانه‌شناسانه در معماری و طراحی شهری^{۸۴} یاد کرد.^{۸۵}

۱. دوگانگی‌های مفاهیم فضایی در معماری

در طراحی محیط و به‌ویژه در معماری، تقابل‌ها و دوگانگی‌های درهم‌تنیدهٔ مفهومی به اشکال مختلف ظهور می‌کنند. ریشهٔ برخی از آن‌ها در دوگانه بودن مفاهیم در زبان و اندیشه است. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا طرح مسئلهٔ دوگانگی مفاهیم فضایی اهمیت دارد؟

۱. دو قطب یک ساختار دوگانه متناقض هستند و بنا بر این مانعاًالجمع هستند^{۸۶} و میانجی‌گری بین آن‌ها ممکن نیست؛ چون به‌طور قاطع از یکدیگر تفکیک شده و متمایزند.

۲. دو قطب یا مفهوم دوگانه با یکدیگر یک کل را می‌سازند و این موضوع به مفهوم سومی امکان وجود نمی‌دهد؛ چرا که دو معنی به‌تنهایی هر وضعیت و امکانی را پوشش می‌دهند.^{۸۷}

از شناخت‌شده‌ترین تقابل‌های دوگانه تقابل بین جوهر ذهنی

و روحی و اندیشه‌ای و جوهر فیزیکی و مکانی و امتدادی در فلسفهٔ دکارتی است. از آنجا که نمی‌توان بر اختلافات میان این دو واقعیت فایز آمد، در تاریخ فلسفه، دوگانه‌نگاری ذهن و عین (روح و ماده) را افراطی‌ترین نمونهٔ دوگانه‌اندیشی دانسته‌اند.^{۸۸} تقابل‌های دوگانه از تقابل‌های اینتوتوژیک و متافیزیکی و دینی همچون خدا و شیطان، خیر و شر، نور و ظلمت نشأت می‌گیرند. هگل با مطرح کردن مفاهیم سه‌گانهٔ تز^{۸۹} و آنتی‌تز^{۹۰} و سنتز^{۹۱} چارچوبی تحلیلی و دیالکتیک پدید آورد و تقابل دوگانه را از شکل ساده‌اندیشانه‌اش رهاثید.^{۹۲}

تقابل‌های دوگانه همچنین از بنیادهای اصلی اندیشهٔ ساختارگرا است، که از جانب پساساختارگرایان مورد نقد قرار گرفته است. ژاک لاکان^{۹۳}، روان‌شناس فرانسوی نظام دوگانهٔ اندیشه را مردود دانست و خود نظام‌های سه‌گانه^{۹۴} را جایگزین آنها کرد.^{۹۵} لاکان ترجیح می‌دهد که این تقابل‌ها را همچون نوار پیوسته‌ای (مویوسی) ببیند که در آن دو قطب متقابل از یکدیگر جدا نیستند و در ادامهٔ یکدیگرند.^{۹۶}

ژاک دریدا واژهٔ ساختار شکنی^{۹۷} را برای اشاره به مداخلهٔ سه‌گانه در متافیزیک تقابل‌های دوگانه به کار برد.

۱. وارونه کردن استراتژیک مفاهیم دوگانه، به طوری که مفهومی که در جایگاه منفی قرار دارد، جایگاهی مثبت کسب کند و مفهوم مثبت جایگاهی منفی.

۲. نوعی جای‌جایی که در آن مفهوم منفی موقعیت وابسته و تابع به مفهوم مثبت منتقل شود.

۳. خلق یا اکتشاف واژگانی که در یک منطبق دوگانه نامتین باشد، تا جایی که شامل هر دو مفهوم دوگانه شود و در عین حال از آن‌ها فراتر رود. این واژه یا مفهوم همزمان هر دو و هیچ کدام از دو مفهوم دوگانه است.^{۹۸}

در بحث‌های مربوط به فضا، مفهوم دوگانگی در اواخر دههٔ ۱۹۶۰ از طریق نظریات هائوری لغور در کتاب *تولید فضا*^{۹۹} و نظریهٔ دیگر فضاها^{۱۰۰} میشل فوکو^{۱۰۱} نقد شد.^{۱۰۲}

80. Tschumi, *Ibid*, p. 219.
 81. Theory of territoriality
 82. Cognitive theories
 83. Objective environment approach
 84. Architecture and urban Semiological theories
 85. دک.
 Bill Hillier & Julienne Hanson, *The Social Logic of Space*.
 86. Mutually exclusive
 87. دک.
 Elizabeth Grosz, *Sexual Subversions: Three French Feminists*
 88. لاون، همان، ص ۱۷۱.
 89. Thesis
 90. Anti-thesis
 91. Synthesis
 92. Lefebvre
 Rhythmanalysis: Space Time and Everyday Life, p. 11.
 93. ژاک لاکان روان‌شناس و روان‌گاو فرانسوی است که چنانچه تری-پس از فروید بوده و تأثیر بسیاری بر متفکرین و فلاسفهٔ پسلساختارگرا در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ کلارد.
 94. مثلاً لاکان به جای تقابل بین واقعی و تخیلی، مثل سه‌گانهٔ واقعی و تخیلی و نمادین را پیشنهاد می‌کند.
 95. Dylan Evans, *An Introductory Dictionary to Lacanian Psychoanalysis*, p. 50.
 96. *Ibid*, p. 119.
 97. Deconstructionism
 98. Grosz, *Ibid*, p. xv.

هائری لفور در کتاب تولید فضا، این سه گانه فضایی را مطرح می‌کند: فضای ادراک‌شده^{۱۰۰} و فضای تصور شده^{۱۰۱} و فضای زیسته^{۱۰۲}؛ به تعبیری فضایی: کنش فضایی^{۱۰۳} و بازموندهای فضایی^{۱۰۴} و فضاهای بازمندی^{۱۰۵،۱۰۶}

فضای اول متمركز بر مادیت جسمانی اشكال فضایی است و آنچه که به طور تجربی می‌توان مساحی^{۱۰۷} کرد فضای دوم در بازموندهای متفكرانه فضایی در اشكال روانی یا شناختی منصور می‌شود تریف لفور از فضای زیسته ترکیب یا آمیزدنی از «وقایع» (فضای اول) و «تصور شده» (فضای دوم) در نسبت‌های متغیر بود؛ گرچه اندیشمندان رشته‌های فضایی (جغرافیا، معماری، مطالعات منطقه‌ای، و برنامه‌ریزی شهری) فقط بر یکی از این حالات تفکر (فضای اول یا فضای دوم) متمركز بودند.^{۱۰۸}

99. Production of Space
100. "Other Spaces"
101. Michel Foucault
102. Edward W Soja, Thirdspace, p. 11.
103. perceived space
104. conceived space
105. lived space
106. Spatial practice
107. Representations of space
108. Representational spaces
109. Lefebvre, The production of Space, p. 40.
110. mapping
111. Soja, ibid.
112. Hillier, Space is the Machine-A Configurational Theory of Architecture, p. 19.
113. Environmental determinism
114. Possibilism
115. Probabilism
116. Rapoport, ibid, p. 2

فضای اجتماعی متکی بر تعامل انسان‌ها و محیط زیست آن‌ها است و با زندگی اجتماعی ایجاد می‌شود اگرچه چنین می‌نماید که «فضای فیزیکی» و «فضای اجتماعی» دو وجه در تقابل نیستند و گویا «فیزیکی» فقط در تقابل یا «فیزیکال» و «اجتماعی» در تقابل با «فیزیکال» است. ولی در معماری و شهرسازی، رابطه تقابلی آن‌ها از تقدم و تسلط یکی بر دیگری نشأت می‌گیرد. چگونگی این تقابل حاصل کیفیت طراحی فضا است. در طبقه‌بندی اثرات محیط یا فضای فیزیکی بر فضای اجتماعی می‌توان به سه نگرش اشاره کرد:

الف) تعیین‌گرایی محیطی^{۱۰۹}: دیدگاهی که مدعی است محیط فیزیکی نوع و کیفیت رفتار انسان را تعیین می‌کند.

ب) امکان‌گرایی^{۱۱۰}: محیط فیزیکی امکانات و محدودیاتی را فراهم می‌کند که در آن‌ها انسان‌ها بر اساس مبارزات فرهنگی رفتارهای خود را انتخاب می‌کنند.

ج) احتمال‌گرایی^{۱۱۱}: دیدگاهی که مدعی است که محیط فیزیکی امکاناتی را برای انتخاب رفتار افراد فراهم می‌آورد ولی نقش تعیین‌کننده‌ای در آن‌ها ندارد. بلکه برخی از انتخاب‌ها محتمل‌تر از دیگر انتخاب‌ها است. دیدگاه سستی و رایج در برنامه‌ریزی و طراحی محیطی بر اساس تعیین‌گرایی محیطی است. به باور طرفداران این دیدگاه تغییراتی که در شکل شهرها و ساختمان‌ها حادث می‌شود منجر به تغییرات عمده‌ای در رفتار انسان‌ها و افزایش بهره‌وری آن‌ها و افزایش تعاملات اجتماعی می‌شود.^{۱۱۲}

جامعه‌شناسان و متفکران مسائل شهری فضای اجتماعی را مقدم بر فضای فیزیکی می‌دانند. هنری لفور با تمركز بر این موضوع که «فضای اجتماعی محصول اجتماعی است» در کتاب تولید فضا، فضا را محصولی از فرایندهای پیچیده اجتماعی معرفی می‌کند.^{۱۱۳}

جرمی تیل بحث اصلی «تولید فضا» را این طور خلاصه

می‌کند که فضا از طریق مجموعه‌های پیچیده از کنش‌های اجتماعی تولید می‌شود که بر یکدیگر هم‌پوشانی دارند؛ کنش‌های بازآزمودگر، اقتصادی، پدیدارشناسی، مفهومی، عمل فضایی فردی، و اعمال جمعی سیاسی، این کنش‌ها را نفوذ در یک سه‌گانه فضایی سازمان می‌دهد که قبلاً به آن اشاره شد بر طبق این سه‌گانه، فقط معماران نیستند که فضا را شکل می‌دهند، بلکه در واقع میدان‌های نیروی متعدد و در تقابلی نیز بر تولید فضا اثر می‌گذارند و کار مسازنه فقط نقش کوچکی در فرایند تولید فضا دارد چرا که فضا از طریق فرایندهای متعدد اجتماعی تولید می‌شود.^{۱۱۸}

الن کوهورن^{۱۱۹} از دو نوع فضای شهری یاد می‌کند فضای نوع اول ویژه جغرافی دانان و جاسم‌شناسان است و موضوع مطالعه آن «فضای اجتماعی» به معنی نتایج فضایی نهادهای اجتماعی است. بر مبنای فضای اجتماعی موضوع ویژگی‌های فیزیکی محیط‌ساخته پدیده‌های فرعی^{۱۲۰} است. فضای نوع دوم فضای ویژه معماران است که موضوع مطالعه آن فضای ساخته فیزیکی و مورفولوژی آن و چگونگی تأثیر آن بر حواس و چگونگی استفاده انسان از فضای ساخته و مناهایی است که تولید می‌کند. این دیدگاه خود موضوع دو رویکرد است: رویکردی که فرم‌ها را مستقل از کارکردها می‌بیند و رویکردی که کارکردها را تعیین‌کننده فرم‌ها می‌بیند. در این مورد اخیر مفهوم فضا تمایل به مفهوم فضای جغرافی‌دانان و جاسم‌شناسان دارد در حالی که توجه معماران بیشتر معطوف به رویکرد اول و فرم‌های فیزیکی است.^{۱۲۱}

تقدم فضای فیزیکی بر فضای اجتماعی تعبیر خاصی از فضا می‌آفریند که پیش‌فرض ترک انسان از فضا می‌شود فضا همچون ظرفی برای اشیا و پدیده‌ها است. این تلقی مفهوم «فضای اندازه‌های» را می‌سازد و به این فرض منجر می‌شود که فضا را می‌توان تقسیم و محصور و کنترل کرد. در تقدم قرار دادن فضای فیزیکی مستلزم توسل به نوعی توجیه علمی

سخت^{۱۲۲} است و فضایی که در نتیجه ایجاد می‌شود، به‌راستی سخت و غیرمستطک است. سختی این فضا به لحاظ فیزیکی نیست، بلکه به لحاظ اجتماعی است، چرا که به ترسیم مرزهایی می‌انجامد که کنش‌های زندگی را به شکل طبقه‌بندی‌های کارکردی و فضایی تجزیه می‌کند.^{۱۲۳}

۴.۱.۵. فضای واقعی و فضای مجازی

فضای مجازی در رشته‌های طراحی محیط، ابزاری است که هر روز رواج بیشتری پیدا می‌کند. در اینجا فضای مجازی حاصل شیءسازی‌های رایانه‌ای فضای سه‌بعدی است که در فضای کلی‌تری ساخته می‌شود، به نام فضای سایبری. اطلاعات به جای اجسام فضای مجازی را اشغال می‌کند. فضای مجازی که فضای نرم‌افزار است در فضای واقعی (سخت‌افزار) قرار دارد و هر روز دشوارتر می‌توان آن‌ها را از هم تمیز داد. فضای مجازی عناصر کلیدی فضای واقعی یا حداقل بازآمدهای غالب آن را شیءسازی می‌کند. در دوران معاصر، گرایش برای زدودن تفاوت بین مجازی و واقعی از راه انکار واقعی و تأکید بر مجازی هست. برای زدودن این تفاوت دو امکان مطرح است: (۱) آنچه مجازی است از واقعی تقلید کند (۲) آنچه مجازی است جایگزین واقعی شود به طوری که تشخیص آن از واقعی ممکن نباشد.^{۱۲۴} با تکنولوژی ساخت فضای مجازی شیوه‌های نوی از ادراک عرضه می‌شود و فضاهای نوی برای تخیل در اختیار گذارده می‌شود با تصویرگری مجازی واقعی، که نیسی تصویر ذهنی و نیسی دیگر مادی است. در اختیار بیننده است که در آن او می‌تواند از دید موشک واقعیت را تجربه کند؛ کلاب ورزشکاری را اختیار کند یا با انگشتان نوازنده پیانو پیانو^{۱۲۵} آنتوان یکون^{۱۲۶} استدلال می‌کند که محصول کار طراحی معماری در نهایت شیئی مجازی است. ناشئین بودن نیسی موضوعی بنیادین در طراحی معماری است؛ چرا که کار معماری همچون مائریسی از روایت‌های محتمل است که معماران

۱۱۷. نک: Lefebvre, *Ibid*
 ۱۱۸. نک: Jeremy Till, *Architecture Depends*.
 ۱۱۹. آن کوهورن استاد معماری در دانشگاه بریتشون است.
 ۱۲۰. Epiphenomenal
 ۱۲۱. Alan Colquhoun, *Modernity and the Classic Tradition*, p. 223.
 ۱۲۲. Hard
 ۱۲۳. Till, *Ibid*, p. 124
 ۱۲۴. Jennifer Bloomer, *The Unbearable Baling of Lightness*, p. 286.
 ۱۲۵. M. Christine Boyer, *Other Cities*, p. 46.
 ۱۲۶. آنتوان یکون استاد تاریخ و تکنولوژی معماری در دانشگاه هاروارد است.

پیش‌بینی می‌کنند بدون این ماتریس متعین احتمالات محصول طراحی فقط تصویر و نقشهای فنی است. حتی متقاعدکننده‌ترین روش‌های بازآمود تصویری و مدل‌سازی کاملاً با تجربه واقعی آنچه ساخته می‌شود مطابقت ندارد. فضای مجازی درک سنتی از مادیت و فضایی بودن و طراحی فضا را تغییر می‌دهد و در آینده نیز به این روند ادامه خواهد داشت. اما مادی بودن اثر معماری هنوز پایرجا است.^{۱۲۷}

مفهوم فضای جریان‌ها^{۱۲۸} که مانوئل کاستلز^{۱۲۹} جامعه‌شناس و برنامه‌ریز شهری طرح کرده است، فضایی مجازی است حاصل سازمان‌دهی مادی کنش‌های اجتماعی که در زمان مشترک هستند و از طریق جریان‌ها کار می‌کنند.^{۱۳۰} فضای جریان‌ها در تقابل با فضای مکان‌ها است.^{۱۳۱} که در آن مکان‌ها حیطه‌هایی هستند که فرم و کارکرد و معنا در محدوده فیزیکی‌شان کامل می‌شود.^{۱۳۲} او نظریه فضای جریان‌ها و فضای مکان‌ها را از این رو مطرح می‌کند که معتقد است جوامع بشری به لحاظ ساختاری در حال دگرگونی هستند و بنا بر این فرم‌ها و فرایندهای فضایی نوظهور خواهند کرد. فرضیه کاستلز این است که ظهور فضای جریان‌ها رابطه بین معماری و جامعه را مخدوش می‌کند. تظاهر فضایی فضای جریان‌ها در فراسوی همه فرهنگ‌ها صورت می‌گیرد و با ریشه‌کن کردن نقش تجربه و تاریخ و فرهنگ خاص به سمت تمهیم معماری ناتاریخی و نا فرهنگی رهنمون می‌شود.^{۱۳۳}

معماری مجازی، آنچنان که امروز در تلاقی فضا و فضای سایبری تظاهر می‌یابد، فقط مجموعه‌ای از پتانسیل‌ها یا اسکالات نیست که در جستجوی واقعی شدن هستند بلکه حاصل فرایند ناپدید شدن فرم معمارانه است؛ چیزی که در پویایی دگرگونی‌های مستند منسجم می‌شود و به شکل یک‌گرایی‌های گذرایی عرضه می‌گردد که نیروها و جریان‌ها را در بر می‌گیرد.^{۱۳۴}

۱. ۳. فضای ایستا در مقابل فضای حرکت

دیدگاهی که فضا را مقولای ساکن می‌انگارد و آن را در تقابل با زمان مطرح می‌کند بسیار رایج و مقتدر است.^{۱۳۵} دغدغه معماری در طول تاریخ، علاوه بر ایجاد سرپناه، تولید اشیای زیبا بوده است. این موضوع از دوران یونان باستان، که ساختمان همچون مجسمه‌های کلان در نظر گرفته می‌شد، تا ظهور آسمان‌خراش‌های دوران مدرن، در اشکال گوناگونی رایج بوده است. معماری یادمانی نیز جلوه دیگری از فضای ایستا است که با هدف جاودانه‌سازی فضا و نفی حرکت و زمان شکل می‌گیرد. هنگامی درباره فضای حرکت در معماری سخن می‌گویند تحت تأثیر نظریه نسبیت آینشتاین و کوبیسزم، مفهوم فضاهای زمان را طرح کرد.^{۱۳۶} و از آن پس به مسئله زمان در ادبیات معماری بیشتر توجه کردند. فضا با حرکت و در حرکت ادراک می‌شود و افزون بر آن انسان با حالات و حرکات کالبد خود فضا را سازمان می‌دهد.^{۱۳۷} کنش‌ها و رفتارهای انسان هم در فضا اتفاق می‌افتد و هم خود فرم‌هایی فضایی دارند.^{۱۳۸}

هم در اشکال گوناگون خطی و دوره‌ای و تاریخی بر فضا اثر می‌گذارد همه گیتی همواره در حال تحول و تغییر (شدن) است. تجربه انسان از حرکت در فضا همواره با تغییر نوع حرکت و کیفیت در زندگی روزمره در تغییر بوده است. نمونه‌اش ورود اتوبوس به شهرها و فضاهای زیست. اتوبوس نوع جدیدی از حرکت در زندگی شهری در درک از فضا و شکل دادن و سازمان‌دهی فضاهای زندگی را موجب می‌شود که این فضای حرکتی تا قبل از آن متصور نبود. ظهور شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی نیز منجر به تغییر مفهوم فضاهای زمانی و اشکال جدیدی از فضای حرکت و سکون در ارتباط با کالبد‌های انسانی شده است که یک‌داری و خرید الکترونیکی و ارتباط کلوری و آموزشی از راه دور مصادیقی از آن است. فضای ایستای ساختمان‌ها باید با اشکال مختلف فضای حرکت در تعامل باشد.

127. Antoine Picon, "Architecture and the Virtual: Towards a New Materiality", p. 272.
128. space of flows
۱۲۹. مانوئل کاستلز استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه برکلی در کالیفرنیا است.
130. Manuel Castells, The Rise of the Network Society, p. 412.
131. space of places
132. Ibid, p. 423.
133. Ibid, p. 418
134. Manel Antonell, "Virtual Architecture", p. 177.
۱۳۵. نک. Thrift & May, 2001.
۱۳۶. نک. Giedion, Ibid
137. Karen A. Franck & Blanca Lepori, Architecture from the inside out, p. 56.
138. Hillier, Ibid, p. 20.

۵. ۱. ۳. فضای مثبت در مقابل فضای منفی

رابطه ساختمان- سایت مشابه و متناظر است با رابطه موضوع- زمینه^{۱۳۹}. تأثیر زمان و اندیشه را در اینجا می‌توان دید فضای محصور و ملای معادل فضای مثبت و فضای باز معادل فضای منفی است؛ بار معنایی منفی واژه بلافاصله منتقل می‌شود. کیفیت محیط‌هایی که معماران پدید می‌آورند تحت تأثیر دل‌مشغولی آنان در موضوعاتی چون امنیت آسایش، هزینه‌های شخصی و عمومی، قلمروها، و بسیاری مباحث دیگر نشأت گرفته از فرهنگ جوامع است و این موضوع اهمیت ویژه‌ای را برای فضاهای محصور یا مثبت در فرایند طراحی ایجاد می‌کند این دیدگاه معماران نسبت به فضای مثبت منجر به ایجاد نقش حاشیهای و فرعی برای فضای غیرمحصور شده است که بخش عظیمی از محیط زندگی انسان را تشکیل می‌دهد. محیط‌های باز یا فضای منفی را نمی‌توان نادیده گرفت، فضای محصور ساختمان‌ها و معماری بدون وجود فضای باز تصورنشده است. اهمیت ارتباط دو وجه این تقابل در معماری فراتر از اهمیت ارتباط ساختمان با سایت است. فضای به اصطلاح مثبت معماری با محصوریت شکل می‌گیرد و فضای محصور منجر به ایجاد فضای درون در مقابل فضای بیرون می‌شود ریشه این جدایی در ابتدا ایجاد سربناه در مقابل تیرهای متخاصم طبیعت و هر چیز غیرخودی است. شکل‌گیری شهرها و تمرکز مدرنیسم بر محصوریت‌ها و حذف طبیعت یک نشانهگر تقابل فضای محصور (مثبت) و فضای غیرمحصور (منفی) در مقیاس کلان است. بیگانه کردن انسان نسبت به طبیعت نتیجه آشکار توسعه شهری مدرن بوده است. دنیای مدرن گواه تقابل‌های فرهنگ و طبیعت است. فضای عمودی/ فضای افقی و خود/ دیگر و فرهنگ/ طبیعت تقابل‌های مختلفی از جنس مثبت/ منفی هستند.

۵. ۱. ۴. فضای بصری در مقابل فضای تجربه حواس

حس بشر از فضا به حس او از خود مربوط می‌شود. بشر با داشتن انگارهای بصری و جنبشی و لامسه‌ای و حرارتی از

خود، که می‌تواند منع یا تشویق شود، با محیط خود رابطه برقرار می‌کند.^{۱۴۰}

پیش از دوران مدرن دنیای حواس کوچک و پیچیده بود و پُر از چشم‌اندازها و رایحه‌ها و صداهای گوناگون. اما در دوران مدرن تجارب حسی گرایش به تفکیک شدن پیدا کرد و تجربه بصری بر دیگر تجارب حسی مستولی شد محیط مصنوع مدرن فقط برای ایجاد جذابیت بصری شکل گرفت.^{۱۴۱}

حس بینایی و ادراکی که از طریق آن حاصل می‌شود، در رشته‌های طراحی محیط، ادراکات دیگر را تحت الشعاع قرار داده است. حس بینایی نقش غالبی در ادراک انسان از فضا دارد، چرا که دوسوم اعصاب ورودی به مرکز سیستم عصبی او اعصاب بینایی هستند. از این رو دنیایی که انسان در آن می‌زید را فرهنگی احاطه کرده که تحت تأثیر ادراک بصری است. این به نادیده انگاشتن ادراک فضا از طریق حواس دیگر می‌انجامد علاوه بر این باید دانست که ادراک جامع از محیط به ادراک حسی صرف محدود نمی‌شود. ادراک جامع فرایند پویایی است که از طریق آن جهان پیرامونی، قابل فهم می‌شود.^{۱۴۲}

طیف وسیعی از معماری معاصر تنها متوجه فرم‌های مادی است. بخشی از این موضوع به سبب سلطه چشم بر دیگر اعضای حسی است.

حواس انسان با یکدیگر مرتبط هستند از یکدیگر اثر می‌گیرند و گاه مکمل یکدیگرند به این معنی که مجموع طیف‌های حواس مختلف ادراک حسی از فضا و پدیده‌ها را فراهم می‌کند. چشم‌ها با دیگر حواس همکاری می‌کند همه حواس، و از جمله بینایی، را می‌توان تلویحاً حس لامسه تکمیل کرد. بینایی آشکارسازی محسوس‌های لامسه است. می‌توان حس لامسه را تلخ‌و ناگوار بینایی دانست.^{۱۴۳}

حواس مختلف ویژگی‌های خاصی در ادراک فضا دارند. بادوام‌ترین خاطره از فضا اغلب رایحه فضا است. رایحه‌های ویژه می‌توانند انسان را به فضایی ببرد که کاملاً از خاطره بصری او رفته است.^{۱۴۴}

139. figure-ground
140. Edward T. Hall, *The Hidden Dimension*, p. 63.
141. Yi-Fu Tuan, *Segmented Worlds and Self-Group Life and Individual Consciousness*, p. 114.
142. Bryan Lawson, *The Language of Space*, p. 42.
143. Juhani Pallasmaa, *The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses*, p. 42.
144. Ibid, p. 54.

داده‌های حواس با داده‌های ذهن ترکیب می‌شود و با ادراک از فضا در هم می‌آمیزد. با دیدن کل یک صحنه ممکن است فقط قسم‌هایی از آن را ادراک کنیم، اما روش‌های دیگری همچون تداعیات ذهنی، که به طریقی منکی بر حافظه هستند کمک می‌کنند تا در مواقع نیاز به یادآوری آن‌ها، بقیه صحنه را در «چشم ذهن» بازآفرینی کنیم.^{۱۴۵}

هر تجربه تماس در عالم معماری چندحسی است. کیفیات ماده و فضا و مقیاس را به یک نسبت با چشم و گوش و بینی و پوست و زبان و اسکلت بدن و عضلات می‌سنجیم. معماری دربرگیرنده این هفت حیطة تجربه حسی است که با یکدیگر تعامل و در یکدیگر نفوذ می‌کنند.^{۱۴۶}

نتیجه

۱) آنچه فضا را تعریف می‌کند موضوع دیرینه فلسفه و هنر و علوم گوناگون بوده و هست و مبحث‌های مربوط به فضا در اندیشه فلسفی و علوم اجتماعی پیشینه وسیع‌تری از مباحث نظری معماری و رشته‌های دیگر طراحی محیط

دارد

۲) معانی و مفاهیم فضا متکثر و متنوع است. هر تعریفی از فضا به‌تنهایی بیان‌کننده جوهر فضا نیست. تقابل‌های دوگانه نیز پیچیدگی‌های مفاهیم فضایی را به ساده‌اندیشی سوق می‌دهد و سلسله‌رأیی پدید می‌آورد که بر اساس تقدم و برتری یک وجه استوار است. «تکثر و چندگانگی»^{۱۴۷} از ویژگی‌های بنیادین مفهوم فضا است. دیدگاه‌های مربوط به فضا با یکدیگر مرتبط است و درک مفاهیم فضایی از طریق درک این روابط میسر می‌شود.^{۱۴۸} فضای زندگی انسان فقط فضایی فیزیکی نیست، بلکه شامل معانی و مفاهیم گسترده‌ای است که اندیشمندان مختلف در طی قرون در مفهوم آن‌ها سخن گفته‌اند. رشد مدنیت با توسعه این نظریات در رابطه‌ای تمامی بوده

و هست. این نکته که چگونه باید به طراحی فضاهای زیست‌نگریست با ادراک و معنای هستی و انسان و زندگی جمعی پیوسته است. رشته‌های طراحی محیطی بر این اندیشه‌های فضایی اثر گذاشته‌اند و از آنها اثر پذیرفته‌اند. فضا فقط ماده خامی نیست که رشته‌های طراحی محیطی به آن شکل بدهند. فضا گسترده‌تری سبیدی جهان بیرون انسان است. او فضا را با معنی و تعامل و فاصله‌ها و روابط و فاصله بین مردم و مردم و مردم و اشیا و اشیا با اشیا تجربه می‌کند. فضا در قلب محیط ساخته قرار دارد.^{۱۴۹}

فضا فقط می‌تواند مجموعه‌ای از تعاملات بین اشیا یا مکان‌ها باشد و از این نظر فضای غیروستگیر وجود ندارد. فضا را ارتباطات اجتماعی و موضوعات طبیعی و فرهنگی خلق می‌کند. فضا محصول و دستاورد است، نه واقعیتی مستقل که اشیا یا مردم در آن باشند. فضا با پدیده‌ها و مکان‌ها ساخته می‌شود و بر چگونگی ارتباط آن‌ها اثر می‌گذارد. به روایتی دیگر «فضا هم ساخته می‌شود و هم سازنده است»^{۱۵۰}.

اندیشه دوگانه سبب می‌شود که ما واقعیت پدیده‌ها را کلی و در اتحاد با یکدیگر ادراک و تجربه نکنیم. تفکر و ادراک دوگانه نگرش طراحان را نسبت به موضوعات مطرح در طراحی محیطی محدود، ناقص و یک بعدی می‌کند و این مسئله بنیادین طراحی محیطی است. نگرش به فضا به مثابه پدیده‌ای نامتناهی، عامل دربرگیرنده دنیایی است که نوع بشر در آن می‌زید و باید عاری از مرزهایی باشد که با ادراک و تلقی نادرست در طول تاریخ شکل گرفته است. چنین نگرشی باید سرووجه تلاش‌های محققان و طراحان محیطی باشد. به چالش کشیدن محدودیت‌های تفکر دوگانه درباره فضا از طریق رجوع به کار بین رشته‌ای و بازنگری نگرش سنتی به فضا در رشته‌های طراحی محیطی میسر می‌شود. وام‌گیری مفاهیم فضایی از حیطه‌های مختلف اندیشه همچون علوم اجتماعی و فلسفه، به عنای مطالب معماری درباره

145. Lawson, ibid.

146. Pallasmaa, "The Architecture of the Seven Senses", p. 30.

147. Multiplicity

148. Rapoport, ibid, p. 9.

149. Tilley, ibid, p. 17.

دانشی به ریشه‌های اصلی مفهوم فضا در زندگی و هستی انسان و بررسی تغییرات دانشی مفاهیم فضایی و بازنمایشی مفاهیم فضایی از ضرورت‌های عرصه نظر و عمل در طراحی محیط است.

فضا کمک شایان توجهی می‌کند. بنا بر این تعامل بین رشته‌ای درباره فضای زیسته بین رشته‌های اجتماعی و رشته‌های طراحی محیط هم در تئوری و هم در عمل ضروری است. مفهوم فضا دائماً در حال تغییر بوده و هست. رجوع

Davoudi, Simin and Ian Strange. *Conceptions of Space and Place in Strategic Spatial Planning*. Routledge, 2009.

Dehaene, Michiel & Lieven De Cauter. *Heterotopia and The City: Public Space in a Post-civil Society*. Routledge, 2008.

Einstein, Albert. "Foreword", In Janner, Max (ed.), *Concepts of Space-The History of Theories of Space in Physics*. (1954) 1982.

Evans, Dylan. *An Introductory Dictionary to Lacanian Psychoanalysis*. Routledge, 1996.

Franck, Karen A. and Bianca Lepori. *Architecture from the Inside out*. Wiley- academy, 2007.

Foucault, Michel. "Of Other Spaces-Heterotopia", in Dehaene, Michiel & Lieven De Cauter (eds.), *Heterotopia and The City*, Routledge, 2008.

_____. "Space, Knowledge and Power", In Foucault Reader edited by Paul Rabinow, Pantheon Books, 1984.

Gaffney, Peter. *The Force of the Virtual: Deleuze, Science and Philosophy*, University of Minnesota Press, 2010.

Gieddon, Sigfried. *Space, Time and Architecture: The Growth of a new Tradition*, Harvard University Press, 1997(1940).

Grosz, Elizabeth. *Architecture from the Outside- Essays on Virtual and Real Space*, 2001.

_____. *Sexual Subversions: Three French Feminists*, Allen & Unwin Pty Ltd, 1989.

Hall, Edward T. *The Hidden Dimension*, Anchor Books, 1966.

Hays, K. Michael. *Architecture Theory since 1968*, The MIT Press, 2000.

Hillier, Bill & Julienne Hanson. *The Social Logic of Space*, Cambridge University Press, 1984(2003).

منابع و مآخذ

گروتر، یورگ. *زیبایی‌شناسی در معماری: ترجمه جهانگشا باکراد و عبدالرضا همایون*. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.

لاوین، تئو. *از سقوط تا سارتر: ترجمه پرویز باغی*. مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۷.

Antoniloi, Manolia. "Virtual Architecture", In Peter Gaffney (ed.), *The Force of the Virtual: Deleuze, Science and Philosophy*, Minneapolis: Minnesota UP, Spring 2010.

Aristotle. *Complete Works*, Translated by Jonathan Barnes, Princeton University Press, 1991.

_____. *Physics*, trans. R. P. Hardie and R. K. Gaye, The University of Adelaide Library, 2014.

Bloomer, Jennifer. "The Unbearable Being of Lightness", In Petrescu, Doina (ed.), *Altering Feminine Practices: Feminist Politics and Poetics of Space*, Routledge, 2007, pp. 281 - 296.

Boyer, M. Christine. *Cyber Cities*, Princeton Architectural Press, 1996.

Broadbent, G. *Design in Architecture: Architecture and Human Sciences*, David Fulton Publishers, 1988.

Casey, Edward. *Fate of Place: A Philosophical History*, University of California Press, 1998.

Castells, Manuel. *The Rise of the Network Society*, Blackwell Publishers Ltd, 1996.

Collins, Peter. *Changing Ideals in Modern Architecture: 1750-1950*, Faber and Faber, 1965.

Colquhoun, Alan. *Modernity and the Classic Tradition*, MIT Press, 1991.

Coplestone, Fredrick Charles. *A History of Philosophy. Vol. 4*, Image Books, 1994.



- Meaning as Presence and Representation', in Holl et al. (eds.), *Questions of Perception: Phenomenology of Architecture*, William Stout Publishers, 2006.
- Petrescu, Dolina. *Altering Practices: Feminist Politics and Poetics of Space*. Routledge, 2007.
- Plato. *Timæus and Critias*, trans. Robin Waterfield, Oxford University Press, 2006.
- Picon, Antoline. "Architecture and the Virtual: Towards a New Materiality", in A. Krista Sykes (ed.), *Constructing a New Agenda: Architectural Theory 1993-2009*, New York: Princeton Architectural Press, 2010, pp. 268- 290
- Rapoport, Amos. *Human Aspects of Urban Form: Towards a Man-Environment Approach to Urban Form and Design*, New York: Pergamon, 1977.
- Reiph, Edward. *Place and Placelessness*. Plon Limited, 1976.
- Soja, Edward W. *Thirdspace*, Blackwell Publishers Ltd, 1996.
- Sykes, A. krista. *Constructing a New Agenda- Architectural Theory 1993-2009*, Princeton Architectural Press, 2010.
- Thrift, Nigel & Jon May. *Timespace: Geographies of Temporality*, Routledge, 2001.
- Till, Jeremy. *Architecture Depends*, The MIT Press, 2009.
- Tilley, Christopher. *A Phenomenology of Landscapes*, Berg Publishers, 1997.
- Tschumi, Bernard. "The Architectural Paradox", in Hays, K. Michael (ed.), *Architecture Theory since 1968*, 1975, p. 214-230
- Tuan, Yi-Fu. *Segmented Worlds and Self: Group Life and Individual Consciousness*, University of Minnesota Press, 1982.
- Zevi, Bruno. *Architecture as Space: How to Look at Architecture*, Edited by Joseph A Barry. Horizon Press, 1957.
- Hillier, Bill. *Space is the Machine- A Configurational Theory of Architecture*, Space Syntax, 2007.
- Holl, Steven & Alberto Perez-Gomez & Juhani Pallasmaa. *Questions of Perception: Phenomenology of Architecture*. William Stout Publishers, 2006.
- Hubbard, Phil. *City*, Routledge Press, 2006.
- Jammer, Max. *Concepts of Space-The History of Theories of Space In Physics*, Dover Publications Inc, (1954)1982.
- Jay, Nancy. "Gender and dichotomy", in *Feminist Studies* 7, 1, In Grosz, Elizabeth (ed.), *Sexual Subversions*, Allen & Unwin Pty Ltd, 1989.
- Kant, Emanuel. *The Critique of Pure Reason*, Cambridge University Press, 1998.
- Lawson, Bryan. *The Language of Space*, Architectural Press, 2001.
- Lefebvre, Henri. *The Production of Space*, Blackwell Publications, 1991.
- _____. *Rhythmanalysis: Space, Time and Everyday Life*, Translated by Stuart Elden and Gerald Moore, London ; New York: Continuum, 2004.
- Madanipour, Ali. *Design of Urban Space: An Inquiry into Socio-Spatial Space*, John Wiley and Sons Limited, 1996.
- Massey, Doreen. *For Space*, SAGE Publications Inc, 2005.
- Newton, Isaac. *Philosophical Writings*, Cambridge University Press, 2004.
- Pallasmaa, Juhani. *The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses*. John Wiley Inc, 2005.
- _____. "The Architecture of the Seven Senses", in Holl et al. (eds.), *Questions of Perception: Phenomenology of Architecture*, William Stout Publishers, 2006.
- Perez-Gomez, Alberto. "The Space of Architecture: